یادداشت

دولت چهاردهم و ضرورت بازنگری در توصیه‌ها

ادامه از صفحه اول

ازاین‌رو همواره در توصیه‌ها به انضباط مالی دولت تأکید می‌شود. اما با وجود این توصیه اکید، نه‌تنها انضباط مالی رخ نداده؛ بلکه کسری آشکار و پنهان بودجه رشد بیشتری در مقایسه با گذشته پیدا کرده است. یکی دیگر از موضوعات اقتصادی مهم، رشد اقتصادی نزدیک به صفر دهه ۹۰ و در نتیجه کاهش حدود ۳۰درصدی سطح رفاه کشور است. توصیه‌ها نیز در این زمینه زیاد است. دولت سیزدهم مدعی افزایش رشد اقتصادی بوده اما وزن درآمدهای نفتی که یک ثروت ملی و خام‌فروشی است، در این رشد کاملا محسوس است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، درحالی‌که رشد بخش درآمد نفت و گاز ۲۰،۳ بوده، رشد بخش کشاورزی منفی ۲،۲، بخش صنعت و معدن به ترتیب مثبت ۲،۱ و ۱،۵ بوده است و با همه تبلیغات غیرواقعی بر انجام کارهای زیربنایی از طرف دولت سیزدهم، رشد تأمین آب، برق و گاز طبیعی منفی ۶،۱ بوده و اکنون آثار آن بر همگان روشن شده است. نتیجه اینکه رشد اقتصادی در این دوره رشدی باکیفیت نبوده است. حال برای رشد اقتصادی باکیفیت چه باید کرد. اولین توصیه‌ها همواره افزایش سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب‌وکار و بهبود روابط بین‌المللی است، اما این اتفاق نمی‌افتد. برخی نیز دائما بر ضرورت جهت‌دهی اقتصاد به سمت بخش مولد در تقابل با بخش نامولد و رانتی تأکید دارند اما باز هم چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. یکی دیگر از توصیه‌ها، اقتدار بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی و استقلال آن است. اما این پیشنهاد به دلیل وابستگی شدید سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی و همچنین ساختار قانونی موجود، ممکن نبوده و تاکنون نه اراده‌ای بوده و نه قدمی در این راستا برداشته شده است. یکی از موارد کلیدی، فساد گسترده موجود است. در این زمینه نیز توصیه‌ها فراوان بوده و در برخی موارد نیز قانون وجود دارد اما این فساد در حال عبور از وضعیت سیستماتیک است و به مانعی جدی در برابر توسعه کشور بدل شده است.

یکی دیگر از موارد، ساختار خصولتی اقتصاد ایران و ضرورت توجه به بخش خصوصی است، اما نتایج ناامیدکننده بوده است. علاوه بر محورهای یادشده، می‌توان موارد بیشتری را بیان کرد. اکنون نیز با انبوه توصیه‌هایی از این دست به دولت چهاردهم مواجهیم. اما به نظر می‌رسد قبل از تکرار توصیه‌ها، باید این پرسش را پاسخ داد که چرا این نظرات کارشناسی عملی نشده است. آنان باید برای چرایی فقدان انضباط مالی دولت، فقدان رشد اقتصادی باکیفیت، چرایی نبود امکان رشد بخش خصوصی و مانند آن اندیشیده و راه‌هایی برای رفع آن ارائه دهند.

موانع نهادی آشکار و پنهان عاملی برای تداوم زنجیره‌های توسعه‌نیافتگی است. تصور می‌شود بازنگری در پیشنهادها با عنایت به اصلاح ریل‌گذاری‌ها در سطح مقدورات دولت چهاردهم لازم باشد. تغییر در نگرش‌ها برای اصلاح وضع موجود در دولت و پیشنهاددهندگان ضروری است. در غیراین‌صورت، در بر همان پاشنه خواهد چرخید. وضعیت موجود معلول نگرش‌ها و ریل‌گذاری‌های فرسوده و عقب‌برنده است.

رویه‌های اجرائی برای تحول کشور

ادامه از صفحه اول

۲- توانمندسازی تمام بخش‌ها برای عبور از تلاطم: در میان امواج پرتلاطم اقیانوس، ضروری است که هر ملوان نقش فعالی در راهبری کشتی ایفا کند. به جای انتظار برای دریافت دستورات رئیس دولت، همه بخش‌ها باید تهدیدها و فرصت‌های مرتبط با چشم‌انداز دولت را شناسایی کنند و به آنها پاسخ دهند.

۳- تقویت تعمیر و نگهداری مشترک: هنگامی که کشتی از امواج متلاطم آسیب می‌بیند، تنها وظیفه ناخدا این نیست که بر تعمیرات نظارت کند. رویه‌های نهادینه‌شده موجود را هرچه زودتر احیا کنید. از انعطاف‌پذیری این رویه‌ها استفاده کنید. مثلا کمیته‌های بین بخشی موجود در دولت یا بین دولت و سایر قوا را که در آنها چند بخش به مسائل مهم اقتصادی یا سلامت رسیدگی می‌کنند، تقویت و روال‌مند کنید.

۴- ایجاد تعادل بین ثبات و انعطاف‌پذیری: کشتی قدیمی باید پایدار باشد تا در برابر فشار امواج خشن مقاومت کند و به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا به جریان‌های متغیر پاسخ دهد. انعطاف‌پذیری از فشارهای ناپایدارکننده می‌کاهد. روش‌های نوآورانه برای بستن نشتی‌های غیرمنتظره می‌تواند بازرسی‌های کیفی روتین بدنه کشتی را تکمیل کند. همین‌طور سیاست‌های دولتی باید متوجه ثبات بلندمدت و سازگاری سریع با چالش‌های جدید باشند.

۵- ارتقای عاملیت بخش‌ها و احترام متقابل بین بخش‌ها: هدایت یک کشتی نیازمند پیوندهای قوی و احترام متقابل بین خدمه است. برای بخش‌های مختلف فرصت ساختن رابطه ایجاد کنید؛ محیطی که در آن نظرات همه ارزشمند باشد. برای انتخاب مدیران ارشد توان مدیریت ارتباطات بین بخشی را در نظر بگیرید. جلسات رودرروی منظم بین بخش‌های مختلف دولتی می‌تواند به توسعه درک و احترام مشترک برای نقش‌های هر بخش کمک کند. با این رویه‌ها تعارضات را مدیریت و اجرای سیاست‌ها را منسجم کنید.

۶- بهره‌برداری از پویایی رویه‌ها برای سازگاری: رویه‌های کشتی باید دینامیک باشند، به بخش‌ها اجازه دهند تا به طبیعت غیرقابل پیش‌بینی اقیانوس و تهدید دائمی حوادث دریایی پاسخ دهند. رویه‌هایی که اهداف متفاوتی را در آن واحد تأمین می‌کنند، بسازید.

کشور ما مانند یک کشتی باسابقه است در حرکت در عرصه اقیانوس متلاطمی پر از رقابت‌های بین‌المللی. تمام ملوانان باید با چشم‌انداز و راهبرد ناخدای اجرائی هماهنگ باشند. بخش‌های مختلف در تمام سطوح باید توانمند شوند و همکاری بین بخشی تقویت شود. برای تعادل بین ثبات در رویه‌ها و انعطاف‌پذیری مورد نیاز برای اجرای برنامه‌ها در محیط متلاطم، بخش‌های مختلف در عمل هم باید به هم احترام بگذارند. رویه‌های حل‌وفصل تعارضات بین بخشی باید تقویت شوند. اینها همه جنسی از قابلیت‌های اجرائی هستند که دولت جدید باید آنها را احیا و به‌روز کند. این همه بر فرض وجود نیت حمایت، همکاری و هماهنگی کلان اجرائی است.

دولت پزشکیان چگونه با اصولگرایان رادیکال مواجه می‌شود؟

علی حاجی‌قاسمی*

اگر در جوامعی که در حال گذار به دموکراسی هستند، گروه‌های محافظه‌کار صاحب نفوذ در روند تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های فکری و فرهنگی وارد نشوند و به سازگاری نسبی با ارزش‌های آزادی‌خواهانه و دموکراسی‌طلبانه نرسند، روند تحول سازنده در آن جوامع به‌کندی و با تنش‌ها و چالش‌های طاقت‌فرسا مواجه خواهد شد. برای تسریع روندها و استقرار و پایداری نهادهای دموکراتیک در این جوامع، یکی از الزامات و برنامه‌های ضروری و حتی اجتناب‌ناپذیر برای دموکراسی‌خواهان این است که آنها بی‌وقفه در جهت مجاب‌کردن گروه‌های محافظه‌کار سیاسی به واردشدن در روند دموکراتیک و پذیرش الزامات گذار به‌سوی سازوکارهای متعارف و قانونمند در مدیریت سیاسی جامعه تلاش کنند.

بدون داشتن باور به این ضرورت و عدم تلاش مکفی در این زمینه، گروه‌های محافظه‌کار معمولا روند تحول دموکراتیک را مختل و حتی متوقف خواهند کرد. این موضوع کلیدی برای بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی آشناست و در آثار متعددی بر این ضرورت تأکید شده است (۱). در تجربه سیاسی ایران اما این ضرورت هیچ‌گاه به‌طور جدی در مرکز توجهات قرار نگرفته و اصولا در فرهنگ سیاسی ما توافق، تفاهم و سازش در عرصه سیاسی نه‌تنها پذیرفته نشده که حتی سخن‌گفتن درباره آن مذموم دانسته شده و به همین دلیل جایگاه قابل‌اعتنایی پیدا نکرده است. مدعیان دموکراسی‌خواهی همواره تحقق روند دموکراتیک را از طریق به زیر کشیدن حکومت‌های مقتدر ممکن و مطلوب دانسته‌اند و اصولا فرهنگ شورشگری و انقلاب به‌عنوان تنها راهکار تعیین‌کننده برای تغییرات سیاسی، ترغیب و توصیه شده است. در تجربه ربع قرن کنشگری اصلاح‌طلبانه اخیر نیز باوجود روی آوردن بسیاری از مدعیان به رویکرد مداراجویانه و تحول تدریجی، دموکراسی‌خواهان، برنامه و راهکار معناداری در همراه‌کردن گروه‌های محافظه‌کار در روند دموکراتیک را ارائه و پیگیری نکرده‌اند.

در دوره اخیر مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری به نظر می‌رسد گشایشی در این امر صورت گرفته باشد، زیرا برای نخستین‌بار این گفتمان در ابعادی گسترده و شفاف‌تر وارد عرصه سیاست ایران شده است. سخنگوی این طرز فکر و گفتمان درحال‌حاضر بی‌شک رئیس‌جمهور جدید مسعود پزشکیان و تیم همراه اوست که از همان ابتدای مبارزات انتخاباتی تلاش کردند مانع قطبی‌ترشدن عرصه سیاست، از طریق شکل‌گیری تنش با جناح رقیب و مهم‌تر از آن با نهادهای قدرت در جمهوری اسلامی شوند. پیام روشن پزشکیان این بوده که سیاست‌گذاری در دولت وی بر پایه تعامل و رواداری با نهادهای قدرت و دیگر مدعیان صاحب نفوذ در عرصه سیاست ایران صورت خواهد گرفت. البته این ویژگی صرفا متعلق به پزشکیان نیست بلکه محمد خاتمی نیز پس از دوم خرداد شخصا چنین رویکردی را داشت اما تفاوت در این است که در فضای پس از دوم خرداد توقعات عمومی و به‌ویژه محافل و گروه‌های متنوعی که آن زمان در جبهه اصلاحات حضور داشتند، به‌طرز چشمگیری، گسترده‌تر و رادیکال‌تر از امروز بودند و در مجموع در آن فضا آگاهی نسبت به الزامات سیاست‌ورزی مردم‌سالارانه در ساختار انقلابی سیاسی محدودتر از امروز بود.

تفاوت آشکاری که امروز در مقایسه با آن دوره در عرصه سیاست ایران مشاهده می‌شود اینکه با وجود مطالبات انباشته‌شده سال‌های اخیر که در یک بازه زمانی کوتاه پنج‌ساله زمینه‌ساز سه حرکت اعتراضی فراگیر در کشور شده است، در میان کنشگران سیاسی و اجتماعی که گرد پزشکیان جمع شده‌اند، دامنه انتظارات و توقعات حداقلی است. علاوه بر این، آمادگی دستگاه حکومتی برای تعامل با دولت جدید ظاهرا بیشتر از گذشته به نظر می‌رسد. اگرچه بسیاری امید دارند که استقرار دولت پزشکیان زمینه‌ساز تغییر و تحولات معنادار در جهت بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی جامعه باشد اما در کوتاه‌مدت آنچه انگیزه بسیاری برای حضور در پای صندوق‌های رأی شد، ترس از بدترشدن اوضاع در صورت قرارگرفتن سکان هدایت دستگاه اجرائی در دست اصولگرایان رادیکال بود.

این رویکرد تعاملی که موفقیت تحول دموکراتیک در جوامع در حال گذار به دموکراسی را منوط به تلاش دموکراسی‌خواهان در متقاعدکردن گروه‌ها و نهادهای محافظه‌کار به واردشدن در روند دموکراتیک و پایبندی آنها به الزامات این فرایند می‌داند، در عرصه سیاسی ایران چنانچه تأکید شد، ناشناخته و نامأنوس بوده است. در قرن اخیر که تجربه مدرن سیاسی را پشت سر گذاشتیم، راهکار انقلابی آموزه اصلی بسیار از تحول‌طلبان ایران بوده است که تغییرات سیاسی را از طریق حذف و سرنگونی حاکمان میسر می‌دانسته‌اند.

این فرهنگ که به‌نوعی تداوم تسلط فرهنگ استبدادی است که در حافظه تاریخی، جابه‌جایی در قدرت سیاسی را همواره از طریق شورش سرداران علیه سلاطین میسر می‌دانسته، خواسته یا ناخواسته به دوره جدید و عصر گذارهای دموکراتیک نیز تسری داده شده است. حال آنکه اساسا ماهیت و ساختار دموکراتیک سیاسی که مدعیان وعده آن را می‌دهند، برخلاف ساختار پادشاهی و سلطانی، برقراری یک سیستم حکومتی چندگانه است که در آن همه طبقات و گروه‌های اجتماعی و مدعیان عرصه سیاست، حتی گروه‌هایی که هم‌اکنون در قدرت هستند، امکان و حق مشارکت در آن را داشته باشند. این یعنی اینکه اصولا راهکارهای حذفی گذار، با چنین هدفی منافات خواهند داشت.

معنای عملی این راهکار، یعنی متقاعدکردن گروه‌ها و نهادهای محافظه‌کار به پذیرش و وفاداری به فرایند دموکراتیک، چیست؟ واقعیت این است که اصولا اختلافات سیاسی تا زمانی که صرفا در میان مدعیان قدرت است و پای گروه‌های وسیع اجتماعی به نزاع سیاسی باز نشده، فاقد زمینه کافی برای اعتلای دموکراتیک است. نخست زمانی که در گروه‌های اجتماعی ابعاد نارضایتی نسبت به شیوه حکومت‌داری، فساد و بی‌عدالتی در توزیع ثروت و امکانات گسترش می‌یابد و آگاهی عمومی نسبت به اختلاف منافع افزایش می‌یابد و به‌تبع آن صف‌بندی‌ها در جامعه شکل می‌گیرد، پای مردم به‌صورت جدی به عرصه سیاست باز می‌شود و مطالبات عمومی به فاکتور تعیین‌کننده سیاست بدل می‌شود. در چنین صورتی است که سیاست با عامل توازن قوای اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ پیدا می‌کند و لاجرم نیاز به ساختار دموکراتیک به‌عنوان عینی‌ترین و یا پراگماتیستی‌ترین سازوکاری که می‌تواند بحران اختلاف منافع را وارد مجرایی سازنده و عملی کند، به بهترین شکل ممکن موضوعیت می‌یابد. در چنین بستری است که راهکار تعاملی که خود را در مذاکره با نهادهای قدرت بروز می‌دهد، موضوعیتی راه‌گشایانه پیدا می‌کند و چون در خود سازوکار حل اختلاف و تقسیم قدرت را نهفته دارد، می‌تواند بیشترین بازدهی را داشته باشد.

وضعیت کنونی ایران دقیقا حاکی از رسیدن به چنین نقطه‌ای است که در آن انجام گفت‌وگوهای بی‌وقفه در جهت رسیدن به توافق و حصول قراردادهایی میان اردوگاه‌های اصلی سیاست که تأمین‌کننده مطالبات اهم جامعه و گروه‌های گسترده ناراضی باشد، بیش از گذشته ضرورت پیدا کرده است. به نظر می‌رسد نهادهای اصلی قدرت به این واقعیت پی برده باشند. حداقل در افواه عمومی این تصور به‌شدت قوت یافته که این نهادها عاملیت اصلاح‌طلبان میانه‌رو به رهبری پزشکیان را برای مدیریت دولت در شرایط کنونی مناسب‌ترین می‌دانند، زیرا اصلاح‌طلبان میانه‌رو هم در بین ناراضیان داخلی و هم قدرت‌های خارجی که فشارهای تحریمی را بر ایران اعمال می‌کنند، از مقبولیت بیشتری برخوردار هستند.

اگر این تصور به واقعیت نزدیک باشد، چالش اصلی دیگر که در دستور کار دولت میانه‌رو قرار خواهد گرفت، متقاعدکردن پایگاه رأی محافظه‌کاران- یعنی اصولگرایانی که حالا با حدود ۱۳،۵ میلیون رأی در برابر دولت ابراز وجود می‌کنند- به تن‌دادن به قانون و تعامل سازنده با دولت میانه‌رو پزشکیان است. بنابراین اگر هدف اعلام‌شده دولت اصلاح‌طلب پزشکیان، سیاست‌گذاری در جهت مواجهه با بحران‌های حاد کنونی است، این هدف بدون چاره‌جویی برای سنگ‌اندازی‌های احتمالی جناح رقیب می‌تواند با موانع جدی و حتی بن‌بست مواجه شود؛ بنابراین هدف مقطعی بهبود اوضاع باید با هدف بلندمدت‌تر یعنی نهادینه‌کردن ساختار و مناسبات دموکراتیک در کشور تکمیل شود. یعنی مکانیسمی ایجاد شود که مانع از تداوم روند تخریبی و درگیری‌های بی‌حاصل گروه‌های متنازع شود که در دهه‌های اخیر همواره جلوی رشد و پیشرفت متوازن کشور را گرفته است. این هدف عمدتا از طریق فعال‌سازی مکانیسم توافق پایدار و انعقاد قراردادهایی میان بلوک‌های سیاسی و واردکردن این بلوک‌ها در همکاری‌های سازنده محقق می‌شود. فراموش نکنیم که یکی از مهم‌ترین عوامل کندی کار دولت‌های خاتمی و روحانی، دقیقا همین کم‌توجهی به ضرورت حصول توافق پایدار با نهادهای قدرت و اپوزیسیون درون‌حکومتی بود. همین امر بود که موجب وقوع بحران‌های مداوم می‌شد؛ از بالارفتن از دیوار سفارت‌ها تا دامن‌زدن به اعتراضات هدایت‌شده یا شلیک موشک‌هایی که پس از توافق برجام دردسرساز شدند.

در میان گروه‌های تشکیل‌دهنده جبهه اصولگرایی، به نظر می‌رسد طیف‌های کهنه‌کار و عمل‌گرای آن، کم‌وبیش به ضرورت نوعی توافق سازنده با دولت جدید پی برده باشند. چالش اصلی از ناحیه طیف اصولگرایان رادیکال است که نامزد نزدیک به آنها، سعید جلیلی، در انتخابات از دیگر اصولگرایان پیشی گرفت. البته در شرایطی که نیمی از جامعه عمدتا به دلیل شدت نارضایتی از اوضاع و ناامیدی به امکان تغییر و تحولات سازنده، اساسا در انتخابات شرکت نکردند و بخش مهم دیگری از جامعه به نامزد اصلاح‌طلبان رأی دادند، اصولا پایگاه رأی اصولگرایان رادیکال که با حمایت سایر بخش‌های اصولگرایی تنها حدود یک‌پنجم آرا را به دست آوردند، محدود است و به همین دلیل خود آنها بیش از هر زمان نیازمند آن هستند تا دست از رؤیاپردازی‌های بی‌حاصل بردارند و در مسیر موجه و به‌روز سیاسی قرار بگیرند. آنها حتما این واقعیت را در نظر خواهند داشت که در صورت شفاف‌ترشدن حمایت رهبری و نهادهای قدرت از دولت میانه‌روی پزشکیان، سبد آرای اصولگرایان رادیکال به‌شدت دچار ریزش شده و اقبال نسبی آنها در میان اصولگرایان رو به افول خواهد گذاشت.

بنابراین چنانچه دولت پزشکیان رویکردی فعال را در گفت‌وگوی سازنده و شفاف با «دولت سایه» جلیلی در پیش گیرد، هم در عمل جبهه پایداری را وارد تعاملات رایج در دموکراسی‌ها خواهد کرد و هم اینکه عیار کارآمدی و محتوای برنامه‌های آنها روشن خواهد شد. چنانچه رویکرد گفت‌وگوی فعال با طرفداران حفظ وضع موجود باز شود، این فرصت و امکان نیز پدید خواهد آمد تا در طیف دیگر سیاست ایران، یعنی ناراضیانی که اصولا به تغییر و تحول در نظام موجود امیدی ندارند نیز این امکان فراهم شود تا آنها نیز از رویکرد و گفتمان شورشی دست بردارند و با ارائه راهکارهای عملی‌تر و کاربردی، پتانسیل‌های سازنده تغییر را به حوزه سیاست ایران وارد کنند. در آن صورت است که جامعه در مسیر برد-برد-برد قرار خواهد گرفت و معضل انسداد در سیاست ایران در روال حل‌شدن قرار خواهد گرفت.

* استاد جامعه‌شناسی سیاسی و سیاست‌گذاری اجتماعی در دانشگاه سودرتورن سوئد

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌شود به این آثار رجوع کرد:

Diamond, Larry (1999). Developing Democracy: Toward Consolidation. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

Huntington, Samuel P. (1991). The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century. Oklahoma: University of Oklahoma Press.

ODonnell, Guillermo & Schmitter, Philippe C. (1986). Transitions from Authoritarian Rule: Tentative Conclusions about Uncertain Democracies. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

Przeworski, Adam (1991). Democracy and the Market: Political and Economic Reforms in Eastern Europe and Latin America. Cambridge: Cambridge University Press.

گزارش

حملات لفظی ترکیه و اسرائیل

رئیس‌جمهور ترکیه تهدید کرده است که کشورش ممکن است مانند آنچه در جنگ‌های قره‌باغ و لیبی انجام داد، در اسرائیل هم مداخله کند. رجب طیب اردوغان در گردهمایی شاخه استانی حزب عدالت و توسعه در ریزه، شهر خانوادگی‌اش، گفت: «ما باید آن‌قدر قوی باشیم که اسرائیل نتواند این کارها را با فلسطین انجام دهد. همان‌طورکه وارد قره‌باغ و لیبی شدیم، می‌توانیم همین کار را با آنها بکنیم». او افزود: «هیچ‌چیز ما را از انجام این کار باز نمی‌دارد. ما فقط نیاز داریم قدرتمند باشیم تا بتوانیم این گام‌ها را برداریم».

روشن نبود که اردوغان چه نوع مداخله‌ای را در نظر دارد، اما ترکیه در آن دو درگیری به متحدان محلی خود حمایت نظامی ارائه می‌داد.

رجب طیب اردوغان در سخنرانی خود همچنین گفت که آنکارا پس از دعوت از محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی برای سخنرانی در پارلمان ترکیه، «پاسخ مثبتی» دریافت نکرده است. او قبلا گفته بود محمود عباس باید به دلیل نپذیرفتن دعوت آنکارا «عذرخواهی» کند.

بعد از اظهارات اردوغان، اسرائیل کاتز، وزیر خارجه اسرائیل، گفت که رئیس‌جمهور ترکیه «ردپای صدام حسین را دنبال می‌کند». کاتز در ایکس نوشت: «به یاد او بیاورید که چه اتفاقی آنجا افتاد و چه سرانجامی داشت».

گفته می‌شود که وزیر خارجه اسرائیل به تمام دیپلمات‌ها دستور داده که به فوریت با اعضای ناتو صحبت کنند و خواستار محکومیت ترکیه و اخراج این کشور از این پیمان منطقه‌ای شوند.

در همین حال، چندین مقام ارشد ترکیه به‌شدت به کاتز واکنش نشان دادند. هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، گفت: «کسانی سعی در ساکت‌کردن این صدای حق‌طلبانه دارند، به‌ویژه اسرائیل و محافل صهیونیست بین‌المللی که برای ساکت‌کردن اردوغان به‌شدت دستپاچه شده‌اند. تاریخ برای تمام کسانی که مرتکب نسل‌کشی شده‌اند و حامیان آنها، سرنوشت یکسانی رقم زده است».

برخی کارشناسان سیاسی در ترکیه از جمله علی بوراک داریجیلی می‌گویند اردوغان این اظهارات را به صورت فی‌البداهه بیان کرده و افزودند که رئیس‌جمهور ترکیه در پایگاه محافظه‌کار و حزبی خود با «لحن سیاسی خودش» سخن گفته است. اردوغان این سخنان را در شاخه استانی حزب خود بیان کرده که نشان می‌دهد سخنان او مخاطب داخلی را در نظر داشته است.

علی بوراک داریجیلی، استاد دانشگاه گفت که فکر نمی‌کند مداخله در غزه ممکن باشد و چنین کاری را «غیرواقعی» خواند.

مراد یتکین، روزنامه‌نگار باسابقه هم گفت که مداخله در اسرائیل به سادگی قره‌باغ و لیبی نیست؛ «اسرائیل نه لیبی است، نه قره‌باغ. کسانی که در جنگ غزه دخیل هستند، طیف مختلفی از آمریکا تا کشورهای منطقه را دربر می‌گیرند، و عوامل پیچیده زیادی هم وجود دارد، از جمله چین و نقش فلسطینی‌ها».

روابط بین اسرائیل و ترکیه که زمانی متحدان نزدیک منطقه بودند، بیش از یک دهه است که رو به وخامت گذاشته است. این میان تجارت دوجانبه آنها نیز که به میلیاردها دلار در سال می‌رسید، متحمل توفان‌های دیپلماتیک شده، به‌طوری‌که ترکیه اخیرا اعلام کرد که تجارت دوجانبه با اسرائیل را تا پایان جنگ و ورود بدون مانع کمک‌های بشردوستانه به غزه متوقف خواهد کرد.

رئیس‌جمهور و انتظاراتی از جنس حقوق شهروندی

ادامه از صفحه اول

سوبسیدها و یارانه‌ها در کنار کنترل بهای حامل‌های انرژی ضمن اسباب ثبات نسبی بازار، یک امر حیاتی است. جامعه بسته با دموکراسی محدودشده و کنترلی مهارگر سازگار نیست و گسست‌ها در برخی نقاط عطف خشونت‌پایه می‌شوند. ما به مودت و همبستگی حول محور شهروند ملی نیاز داریم. جامعه مدنی تحت نظارت و مراقبت دائم نمی‌تواند خلاق و پویا ظاهر شود. آزادی‌های مشروع و همه آنچه قانون اساسی اشعار داشته، باید جدی‌تر گرفته شود. نظام تحزب و تکثر باید تقویت و ترمیم شود. وضع قوانین حمایتی و افزایش بودجه تأمین اجتماعی از یک طرف و رونق‌بخشی به اقتصاد و بازار آزاد و بخش خصوصی از سوی دیگر، یک شاخص رفاهی است. همتایان دولت حاضر بسیاری آمده و رفته‌اند؛ مهم آن است که کدام‌یک در زمینه محیط زیست و حفظ اقلیم و منابع طبیعی و ثروت‌های ملی، پایمردی بیشتری داشته و نگاه توسعه پایدار و محیط‌زیست‌مدار داشته است. حق بر اداره شایسته و حکمرانی خوب و دولتی که بسترساز رونق و شکوفایی و حق بر شادی و رفاه و مسرت اجتماعی است، یک کارکرد و کاراکتر شایان تأمل و اساسی برای دولت است. کابینه‌ای که به جای لاف‌زدن و خودستایی، فروتنی و صداقت را پیشه کند و به فرودستان و ضعفا هوادارانه بنگرد و همان‌طور که رئیس دولت در انتخابات می‌گوید، همه را سر یک سفره بدون تحقیر و تبعیض بنشاند. دولتی که به جای غرور و خودشیفتگی، فرصت برای اقتصاد، رشد و مسرت جمعی خلق کند و شایستگان و نخبگان را به جای حامیان خود و حزب و قبیله‌های وامدار بر کرسی مناصب خدمت عمومی بنشاند. همه ما به لبخند کودکان آینده این سر زمین قول داده‌ایم که «کوه‌کن شهره نگردید به شیرین‌کاری/ تا که گلگون رخش از تیشه فرهاد نشد»... .

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن کارفرمایی کنترل کیفی تجهیزات پزشکی به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۳۳۶۰۲۴

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای انجمن می رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن صنفی یاد شده در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ روز دوشنبه راس ساعت ۹ صبح در محل: تهران، ولنجک، دانشکده توان بخشی برگزار می‌گردد.
دستورکار جلسه: ۱ - گزارش هیات مدیره و بازرسان ۲ - انجام انتخابات هیات مدیره و بازرسان
ضمنا افرادی که تمایل به کاندیداتوری در هیات مدیره و بازرسین برای دوره جدید را دانند می توانند درخواست کتبی خود را به همراه مدارک اعلام شده به دبیر کل انجمن تحویل دهند.
مهندس احمد رضا احتشام - دبیر و عضو اصلی هیئت مدیره

آگهی دعوت سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت راد سازه ونداد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۸۲۵۹۳ و شناسه ملی ۱۴۱۰۲۴۰۰۸۸

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت راد سازه ونداد میرساند جلسه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام راس ساعت ۰۹:۰۰ صبح شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ در آدرس تهران، شهرک امام خمینی، پل الغدیر، خیابان سعید آباد، مجتمع تجاری بهاران، پلاک ۱۱۷ ، طبقه ۱، کدپستی ۱۳۷۴۶۷۴۳۱۶ و به شماره تماس های ۰۹۱۲۴۵۹۲۲۰۹ و۰۲۱۷۷۹۲۰۹۳۳ برگزار می گردد . لذا از کلیه سهامداران محترم درخواست می گردد در جلسه فوق شرکت نمایند.
دستور جلسه: اتخاذ تصمیم در خصوص: اصلاح اساسنامه (تغییر در موضوع اساسنامه)
هیات مدیره شرکت راد سازه ونداد (سهامی خاص)

آگهی تبدیل وضعیت دفتر خدمات مسافرت هوایی - نوبت اول

نظر به این که مجوز فعالیت دفتر خدمات مسافرت هوایی دهقان سیر کنگان در شهر بندر کنگان با صاحب امتیازی خانم ملیحه پائین محلی، در شرف تبدیل وضعیت دفتر از حقیقی به حقوقی می باشد؛ از کلیه کسانی که از دفتر مذکور ادعا و یا شکایتی دارند دعوت می شود مراتب را حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار این آگهی به طور کتبی به سازمان هواپیمایی کشوری - دفتر نظارت بر شرکت های حمل و نقل هوایی و امور فرودگاه ها اعلام نمایند.
مدیر دفتر خدمات مسافرت هوایی دهقان سیر کنگان: ملیحه پائین محلی

برگ سبز، سند کمپانی، بیمه نامه و معاینه فنی آزرا ۳۳۰۰ قرمز زرشکی متالیک مدل ۲۰۰۸ به شماره پلاک ۲۹ل۵۸۲ ایران ۳۰
شماره شاسی
KMHFC۴۱DP۸A۳۳۱۳۸۲
و شماره موتور
G۶DB۸A۰۹۰۷۰۹
به نام علیرضا فرهادی سالاروند با کد ملی ۴۹۱۰۸۷۹۰۸۰ در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.